

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

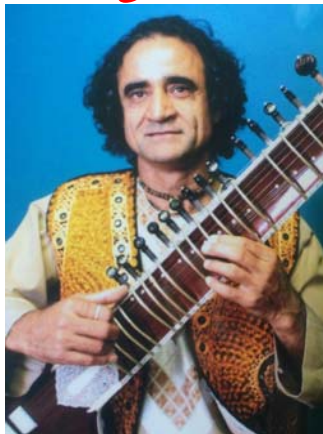
Arts & Music

هنر و موسیقی

نویسنده: ضیاء- سیدنی- استرلیا

۲۲ جنوری ۲۰۱۷

## استاد خلیل گداز یا : افتخار هنر موسیقی در کشور ما



کوهدامن زمین، به دره ها و دامنه های کوه هائی که از کوتل خیر خانه تا کاریز میر، شکر دره، گلدره، کلکان، استالف، قره باغ موقعیت دارند گفته می شود. این مناطق یکجا با وادی زیبا و تاکستانهای پروان مثل؛ چاریکار، گلغندی، گلبهار و قسمت هائی از کاپیسا و سالنگ ... به شمالی زیبا و جنت روی زمین نیز معروف است. دهقان زاده ای در سال ۱۳۴۲ خورشیدی برابر با ۱۹۶۳ میلادی از میان دره شاداب، گندم زارها و باغستانهای شکر دره به دنیا می آید و نامش را محمد خلیل می گذارند. گویا، آن طفلک از آوان تولد گوشه‌هایش با ترنم باران، نوای آبخاران و چهچه مرغان آشنا شده بود و با هر روزی که می گذشت آن صدا ها و نواها را با ذرات وجودش به لذت می گرفت.



خلیل هفت ساله شد، پدرش او را به مکتب قریه شامل ساخت. هله و هله صنف اول، دو، سه را تا متوسطه خواند. همین که پایش به لیسه رسید، مجاهدین لیسه را درست در سال ۱۳۵۸ به آتش کشیدند. منطقه نا امن شد و خلیل که تازه به نو جوانی قدم گذاشته بود، با خانواده اش به کابل پناه بردند. او تا زمانی که در محل و منطقه خود بود، علاوه از ترانه های جویبار و زمزمه مرغان، پروگرام اردوی رادیو افغانستان را بی وقفه می شنید و با صدای مرحوم محمد رفیع، لتا منگیشکر، مکیش، ... بیشتر اُنس می گرفت. چیز دیگری که حس زیبا پسندی خلیل کوچک را در موسیقی انگیزش می داد، دلچسپی باشی غلام سخی شوهر همشیره اش به موسیقی پخته افغانی و هندی بود که او کست های استاد سر

آهنگ و دیگر استادان موسیقی و کست های استاد امیرخان، استاد ولایت خان ... ستار و شهنائی استاد رئیس خان، راویس شنکر، استاد علی اکبر خان و استاد امجد علی خان را می شنید و درکنار او خلیل نیز به آن صدا ها گوش می داد. خلیل که مجذوب نوای ستار شده بود، با ده ها کوری و کبودی خود را صاحب تنبور ساخت. روزها و ماه ها را به خاطر آشنائی با پرده ها، گوشک ها، تارها و به اهتزاز آوردن سیمهای تنبور سپری می کرد. آهسته آهسته دستش به تار های تنبور آشنا شد و اما جالب است که تا آنوقت موسیقی و حتی الفبای موسیقی ( سا، ری، گه ... ) را نمی دانست. ولی استعداد خداداد و تلاش مستمر او در نواختن آهنگ های روز و آهنگهای هندی او را به جایی رساند که پس از امتحان نزد استادان موسیقی به حیث نوازنده در رادیو افغانستان پذیرفته شد و تخلص (ارفاق) را بر خود گزید. وقتی که خلیل ارفاق به رادیو افغانستان راه باز کرد، مرحوم استاد محمد عمر حرکات انگشتانش را دید و شیرینی صدای تنبورش را شنید، او را مورد نوازش قرار داد و به زودی او را در صف شاگردانش پذیرفت. ارفاق اساسات، شیوه نواختن و برخی ویژه گیهای نواختن تنبور و کلید های موسیقی را تا دوسال از استاد محمد عمر فرا گرفت. در عین حال در جریان اوقاتی که در رادیو می بود، هوش و گوش اوبه دست و پنجه استادان موسیقی چون استاد سرآهنگ، استاد یعقوب قاسمی، استاد رحیم بخش، استاد هاشم همچنان استادان نوازنده مثل؛ استاد محمد عمر، استاد سلیم کندهاری، استاد سرمست، استاد ننگیالی.... بود که هر کدام با شفقت و مهربانی وی را یاری می دادند و در عین حال شنیدن غزلهای مرحوم مهدی حسن و برنامه های چارشنبه شبهای مرحوم استاد سرآهنگ را که هنرمند معروف و سابقه دار رادیو افغانستان آقای وهاب مددی و مرحوم استاد موسی قاسمی آن را گرداندگی می کردند، خلیل جوان را شیفته خود ساخته بود. گفتم که خلیل از ابتداء مجذوب آواز ستار شده بود، اما هرگز ستار را ندیده بود و نمی دانست که شکل و شمایل آن چگونه است. باری تصویر هیما مالینی اکترس سینمای هند را که زیبایی او جوانان وطن ما را مسحور خود ساخته بود، یکجا با آله موسیقی که خلیل نمی دانست چی است را در قطعه پوستکارد مشاهده کرد. وقتی به او معلوم شد که آن همان آله موسیقی دوست داشتنی اش (ستار) است، این آشنائی یک بار دیگر عشق و علاقه دیوانه وار او را به (ستار) افزونی بخشید. آنگاه که به رادیو افغانستان همکار شده بود و نواختن ستار را توسط مرحوم استاد سراج الدین عملاً احساس کرده بود، هر گاهی کارکنان تخنیکی و نوازنده ها به صرف غذای چاشت می رفتند، این عاشق ستار، وقتش را به جای صرف غذا، با ستاری که در سندیوهای ۴۸ و ۵۲ موسیقی رادیو افغانستان وجود داشت، به مشق و تمرین می گذشتاند. خلیل ارفاق از نداشتن ستار حسرت می کشید. روزی از کوچه مندوی کابل می گذشت، چشمش به دوکان آلات موسیقی فروشی یک تن از هموطنان هندو افتاد، دید که ستار در آنجا آویزان است. قیمت آنرا پرسید، لاله هندو قیمتش را پس از چانه زنی ها، یک هزار افغانی گذاشت. خلیل که معاش ماهوارش در رادیو (۱۴۰۰) افغانی بود، آن را برای خانواده به مصرف می رساند. اما این جوان هوشیار یک مقدار آن را نزد مادرش ذخیره کرده بود. با شنیدن قیمت ستار، با دنیا دنیا هیجان نزد مادر رفت، پول گرفت و ستار را خرید. ازان پس در خانه به مشق و تمرین ستار مشغول شد و زمانی که استاد سراج در رادیو ستار می نواخت و یا آن را میزان (سُر) می کرد، خلیل ارفاق که آن وقت با سُر و لی و تال و بعضی رمز و راز موسیقی آشنائی پیدا کرده بود، زیرکانه به آن توجه می کرد و ذره ذره از نواختن تا فهمیدن راگ و سُر کردن ستار را می آموخت. خلیل با نواختن تنبور در میان استادان موسیقی محبوبیت بیشتر یافت. همین که استاد هاشم او را صاحب استعداد و مهارت خوب یافت، با ارائه امتیازات بیشتر نسبت به رادیو، همکاری اش را به ارکستر افغان ننداری پیشنهاد کرد. خلیل پذیرفت و در بخش موسیقی افغان ننداری ادامه داد. در سال ۱۹۸۴ وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان تعدادی از استادان هندی را جهت آموزش موسیقی در بخش های آواز و نواختن آلات موسیقی به کابل دعوت نمود تا با ایجاد کورسهای آموزشی زمینه رشد و انکشاف هنر موسیقی برای جوانان مهیا

گردد. خلیل نیز به خاطر آواز خوانی به مدت شش ماه نزد استاد، روبین چترجی و خانم چترجی به آموزش آواز خوانی پرداخت. بعد که استاد عرفان محمد خان از هندوستان به کابل آمد و کورس سِتار را به راه انداخت، آنگاه خلیل ارفاق به آموزش علمی سِتار آغاز کرد و مکتب ( لکنهورشاه جهان پور کرانه ) را طی ۴ سال. از وی فرا گرفت. در جریان این کورس، برنامه موسیقی از طرف سفارت هندوستان تدویر یافت که شاگردان موسیقی هرکدام پنج، پنج دقیقه هنر نمائی می کردند. و اما نواختن سِتار توسط خلیل ارفاق توجه زیاد هندی ها و به ویژه توجه نایب سفیر هندوستان را به خود جلب کرده بود. در ختم برنامه، نایب سفیر هندوستان که قبلاً با استاد عرفان محمد خان نیز مشوره کرده بود، خلیل را خواست و گفت: می خواهی به خاطر تحصیل موسیقی برای شش سال به هندوستان بروی؟ خلیل در حالی که تازه عروسی کرده بود با خوشحالی پذیرف. نایب سفیر همانجا از او خواست که دو روز بعد به سفارت بیاید، در نتیجه خلیل گداز به هندوستان رفت و به کوچه ها و پس کوچه های پُرخم و پیچ موسیقی هندوستان سفرش را آغاز کرد. حینی که خلیل گداز (۱۹۸۸) م به دهلی رسید، در دانشکده ( شیری رام کلا کندر) شامل درس شد و نزد پروفیسور پرسوداس که از شاگردان و پیروان استاد راویش شنکر و استاد علی اکبر خان بود، مکتب (مهر گرانه) را آموخت. در پروگرام درسی این دانشکده سالانه ۲۰ راگ تدریس می شد. خلیل علاوه از هشتاد راگ تکراری که قبلاً نزد استاد عرفان محمد خان در کابل آموخته بود ( ۱۲۰ ) راگ دیگر را طی شش سال آموزش دید. خلیل می گوید: پسر پروفیسور بمبای داس ، پرسیده شود شاگرد استاد امجد علی خان بود، خجسته اتفاقی سبب شد که از طریق آن جوان با نوق با استاد امجد علی خان مشرف شدم که بیش از (چقدر وقت) از آن استاد بزرگ ، سبک (گایکی آنگ) یعنی خواندن با آلات موسیقی را که سبک او ستایل می باشد، فیض بردم و آنگاه دانستم که موسیقی چیست و ساز چیست. در همین وقت بود که موسیقی به تن و روانم شراره افروخت و چنان مرا درخود نوب کرد که گداخته شدم و از آن پس تخلصم از (ارفاق) که معنای نکونی و مهربانی کردن به دیگران را می دهد، به گداز عوض شد. خلیل گداز هنگامی که در کابل بود، گواهی نامه (لکنهور شاه جهان کرانه ) را از تدریس استاد عرفان محمد خان دریافت کرد و از دانشکده ( شیری رام کلا کندر سنا مهر گرانه) از آموزه های پروفیسور پرسوداس در مکتب ( مهر کرانه) دیپلومه به دست آورد و نیز که از انیستیتوت موزیک الله آباد دیپلومه افتخاری را کمائی کرد. و اما استاد امجد علی خان در پای دانشنامه اش به صورت فوق العاده این یادداشت را ذکر کرده بود که: (خلیل گداز در مدت کوتاه طوری خود را رسانده که گویا بیشتر از ۲۰ سال ۲۰ نالج موسیقی کلاسیک هندوستان را از من فرا گرفته باشد).

زمانی که ارباب هنر موسیقی هندوستان همچو یاد داشت را از طرف استاد امجد علی خان در گواهی نامه خلیل گداز دیدند، بدون معطلی او را در Homa sharma dance and music colege به حیث آموز گار موسیقی پذیرفتند که شاگردان زیادی را در هندوستان پرورش داد.

خلیل گداز با استفاده از سکالر شیپ تحصیلی از سوی دولت استرالیا، آخرین تحصیلات اکادمیک خود را در سال ۲۰۰۱ میلادی تا درجه ماستری در Parachik kalakinder of panjab در هندوستان نزد استاد امجد علی خان به اتمام رساند و لقب استادی را به خود کمائی کرد. و اما پیش از آنکه استاد خلیل گداز جهت تحصیلات عالی موسیقی از طریق سکالر شیپ استرالیا دوباره به هندوستان برود، در نخستین هفته های اقامتش به استرالیا، دانشگاه موناخ در ایالت ویکتوریا او را مژده داد که وزارت فرهنگ هندوستان به دانشگاه موناخ نامه فرستاده که شخصیت برجسته هنر موسیقی ( خلیل گداز) تازه به استرالیا پذیرفته شده و سفارش شده بود که از آن استاد فرزانه موسیقی استفاده شایان صورت بگیرد. همان بود که به زودی مراجع ذیربط استرالیا برنامه نشنل تور موسیقی در شهر های، سیدنی، کانبرا، برزبن، پرت و ملبورن را برای اجرای کنسرت های سِتار به استاد گداز ترتیب داد و با استقبال فراوان مواجه شد.

استاد گداز زیاده بر اجرای کنسرت های عادی در داخل و خارج از افغانستان، در مهمترین فستیوالهای موسیقی هندوستان به هنر نمائی پرداخته است که از جمله:

۱ - نخستین کنسرت در سال ۱۹۸۹م در فستیوال پونه .

۲ - اشتراک در فستیوال شلپی برشاد دهلی سال ۱۹۹۲ با دریافت تقدیر نامه.

۳- در فستیوال موسیقی لکنهور سال ۱۹۹۴ با دریافت لقب sweet fingre یا پنجه شیرین.

۴ - شرکت در فستیوال کلکته سال ۱۹۹۵ .

۵ - اشتراک در فستیوال ( گنینگا مسیو) در سال ۱۹۹۸ در بنارس.

همچنان استاد گداز همه ساله در فستیوالهای موسیقی چون؛ نشنل فولک فستیوال Eدر کانبرا، ود فورد فستیوال Eدر برزین، فورد بری میوزیک Eدر ملبورن، وم ادلاید فستیوال Eدر ادلاید، گورمنت حوز فستیوال E، سیدنی. اشتراک ورزیده که به دریافت تقدیر ها و تحسین های فراوان نایل گردیده است:

قابل ذکر است که نشرات خطی و تصویری استرالیا بارها پیرامون هنر استاد گداز مطالب فراوان را به نشر رسانده است. کار دیگر استاد گداز که از سالهای ۱۹۹۹ به اینسو در ( خلیل ستار میوزیک) در رشته ستار و نواختن سایر آلات موسیقی و آواز خوانی شرقی( هندی و افغانی) آغاز یافته و هنوز هم ادامه دارد، تربیت شاگردان است که بیشتر شاگردانش از سایر کمونیتی ها می باشند. نو آوری های استاد در عرصه موسیقی ایجاد (راگ بامیان)، (راگ سنائی) و ملودی های جدید (کوی عروسان شکردره) و (کوه آسمانی) می باشد. سی دی هائی را که استاد تا کنون به دسترس علاقه مندان قرار داده است؛ نوای ستار( آهنگهای مرحوم احمد ظاهر)، سوند آف ستار، سوینزر یا هدیه، طلوع شامل سه راگ کلاسیک، بامیان و دی وی دی پنجه ها پرواز می کنند، کلیپ اشعار مولانا می باشند. می خواهم این نکته را از جانب خود و از برداشت خود نسبت به این استاد فرزانه علاوه نمایم:

استاد شخصیتست؛ با وقار، آرام، متواضع که در هر جا و هر زمان با جبین گشاده، محبت و مهربانی با همگان برخورد می کند. موسیقی را دوست دارد، درین راه بسیار سخت کوش است و مهمتر از آن، اشعار عرفانی مولانا، سنائی، حافظ، بیدل و امیر خسرو بلخی او را چنان در خود غرق ساخته که حالت فقر و استغنا را در او خروشان ساخته است. به این معنا که در دنیای معنویت با فقر به سر می برد و استغنائیش با مادیت از سلوک و رفتارش کاملاً هویداست. استاد گداز در سال ۲۰۱۴ فریضه حج را در حرمین شریفین به انجام رساند و فعلاً با خانم و فرزندانش در ایالت ویکتوریا در شهر ملبورن به سر می برند. هفته نامه " افق" به این سرمایه بزرگ هنری افتخار می کند و طول عمر و موفقیت های روز افزون برایش تمنا می نماید.

جنوری ۲۰۱۷